

طرح بهسازی محلات فرسوده تهران

(بازار - عودلاجان)

به منظور مطالعه دقیق نسبت به تعیین عوامل موجود و تعیین کننده و همچنین ارائه راه حل در جهت بهبود روابط شهری کمیته هماهنگی برنامه ریزی و طراحی بافت قدیم تهران در تاریخ ۵۸/۷/۱ با همکاری مشترک کارشناسان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و شهرداری تهران جهت بهسازی و احیای محلات قدیم تهران در زمینه های مختلف اجتماعی ، اقتصادی و فیزیکی تشکیل گردید .

با مطالعه در تعیین اولویت ها و در راه نیل به این مهم مرحله اول کار در محله عودلاجان بصورت یک برنامه کوتاه مدت جهت جابگویی به نیاز تاسیسات شهری انجام شد که در حال حاضر طرحها جهت اجرا به ارگانهای اجرائی ارائه گردیده است . جهت آشنائی با فعالیت های این کمیته در برنامه های بلند مدت ، دو طرح تجدید نظر طرح تفصیلی بازار تهران (ساماندهی بازار) و طرح بهسازی و نوسازی قسمتی از محله عودلاجان که نتیجه فعالیت چند ماهه گروه است بصورت مختصر در این گزارش ارائه میشود .

کمیته هماهنگی ، برنامه ریزی و طراحی بافت قدیم تهران

(سازمان ملی حفاظت آثار باستانی)

(دبیرخانه شورای نظارت برگسترش شهرتهران)

باقر آیت الهزاده شیرازی

سعید حجازی

فرنگیس رحیمیه

محمد مهریار

مصطفی ربوبی - ناصر زاد رفیعی

مدیران طرح :

مسئول و هماهنگ کننده

سرپرست طرح محله عودلاجان

سرپرستان طرح ساماندهی بازار

همکاران

مسئول شناسائی کالبدی بازار

مسئول آمار تجهیزات شهری

مهندس معمار

دانشجوی معماری

برنامه ریز شهری

دانشجوی علوم اجتماعی

دانشجوی راه و ساختمان

مرتضی ابوالفتحی

مجید اسماعیلی مهاجر ایرملو

سیمین اشرفیان

آزاده اشرفیان

کامران امین

کمیته علمی و تخصصی

(تاسیس ۱۳۵۷)

| | | |
|---------------------------------------|-------------------------|----------------------|
| مسئول تحقیقات اقتصادی و اجتماعی بازار | فوق دیپلم راه و ساختمان | رضا محمدی بهمن آبادی |
| | دانشجوی معماری | محمود تهمورس |
| | دانشجوی معماری | امیرجلالی فراهانی |
| | دانشجوی معماری | هاتف خیرخواه |
| | دیپلمه | عادلہ رحیمیه |
| | مهندس معمار | حسن رضائی گلزاری |
| | برنامه ریز اقتصادی | مریم رهرو |
| | دانشجوی معماری | مجید زاد رفیعی |
| | دانشجوی معماری | حسین زنجانی |
| | دانشجوی معماری | سهراب سروشیان |
| | دانشجوی معماری | حمید صارم زاده |
| | دانشجوی معماری | ویدا فرخ نژاد |
| مسئول طرح نظافت شهری و روشنایی معابر | مهندس معمار | صدیقه گلشن |
| | مهندس شهرساز | پروانه کوثری |
| | دانشجوی معماری | سیروس محمد حسینی |
| | دانشجوی معماری | احمد مستوفیان |
| | دانشجوی معماری | بابک امیر نادری |
| | دانشجوی جامعه شناسی | سیمین نوروزی |
| مسئول شناسایی کالبدی محله عودلاجان | مهندس معمار | ابرج نیامیر |
| | فوق دیپلم راه و ساختمان | علیمحمد وجدانی |
| مسئول شناسایی کالبدی منطقه بازار | مهندس معمار | امان اله یغمائی |

● طرح جایگزینی عناصر شهری

نیازهای امروز در بافت شهرهای قدیم ایران

بازگویی ارزشها و نمودهای معماری و شهرسازی بومی ایران سخنی تازه و ناشناخته نیست و چه بسا اگر نیروئی که به تمجید و سخن پردازیهای مکرر از این غنا بکاررفته به شناخت کاربردها و سعی در برداشت از مفاهیم آن مصروف میشد امروزه به چنین رکودی در فرهنگ معماری و شهرسازی دچار نبودیم .

دوست داشتن، عشق ورزیدن، شاید احساس و شوق لازم را در رویا روئی و پی گیری علمی مسائل فراهم آورد ولی بطور قطع خود جوابگوی نیازی مگر رضای شخصی نخواهد بود. نکته قابل تعمق در بیان این احساس تکرار این مطلب است که در حفظ آثار گذشته معماری و شهرسازی بهمان بکوشیم، ولی در اینجا این سؤال مطرح میشود که چنین بیانی با کدامین برداشت از معماری و شهرسازی عنوان میشود؟

آیا انگیزه حفظ کالبد صرفاً "بعنوان نمائی از ارزشهای گذشته ما مطرح است و یا بلحاظ شکل گیری منطقی اش در ارائه کاربرد و برداشت از مفاهیم معماری و شهرسازیست که مورد توجه قرار میگیرد. متأسفانه تاثیر نگرش اول در میان کارشناسان معمار و شهرساز ما را به مرحله ای رسانده است که تنها رسالت بافت قدیم شهرهایمان را در کالبد های فرسوده و رنگهای کهنه و پریده دیواره ها و درها جستجو میکنیم، غافل از اینکه آنچه چنین فضاهائی را بوجود میآورد نه آن مصالح، نه آن فرم، نه آن رنگ بلکه نظامیست در برداشت از مفاهیم زندگی انسان و جامعه در فرهنگ معماری و شهرسازی ایران .

به دیگر سخن آیا حفظ کالبد یک محله یا یک شهر قدیم در تداوم و تکامل فرهنگمان میتواند خلاقیتی بهمراه داشته باشد؟ سخن این نیست که کهنه ها را بدور بریزیم، بطور قطع سخن این نیست، سخن از ناتوانیهاست، سخن از ناتوانی در بهره گیری از ارزشهاست .

پی آمد این دو نگرش را میتوان در یک جمله خلاصه نمود. ارج نهادن به فرم (قالب بدون محتوی) و یا مقصود و انگیزه ایجاد فرم (مفاهیم و محتوی)

ایده حفاظت موزه های میراث فرهنگی و کوشش در جهت طرح ریزی مناطقی خارج از حریم شهرهای قدیم دقیقاً "در جهت رکود و انهدام فضاهائی است که مادام سخن از غنای آن می زنیم و صد افسوس که این محله ها روز بروز در خود می میرند و میعادگاه عاشقان کالبد معماری ایران میگردد .

ذکر این مطلب ضروری است که نیستی و نابودی در مفاهیم شهری تنها لطمه های کالبدی نیست، چنانکه لطمه عوامل غیر کالبدی چه بسا سنگین تر و غیر قابل جبران تر است .

لذا تنها توجه جهت حفظ کالبد یک بنا، یک مجموعه یک محله نمیتواند در حیات و زندگی بافت قدیم شهرهایمان نتیجه مثبتی را دارا باشد چه چنین کالبدی بدون انگیزه و مفاهیم شکل گیری آن بی ارزش و فانی است . " البته چه بسیارند بناهائی که در مجموعه بافت شهری از ارزشی چشمگیر برخوردارند چرا که کالبد آنها معرف و پیام آور ارزشهای اخلاقی، اعتقادی و بعنوان یک نمود فرهنگی در بطن جامعه جای دارد و از این قبیل میتوان مساجد، امامزاده ها، مناره ها، مدارس، بازارها را نام برد که در این مقوله مستثنی هستند " .

بنابراین با این اعتقاد که مرمت شهری در واقع درمان نابسامانیهای موجود بافت های سنتی در جوابگویی به نیازهای امروزی است. لازمه حیات یک محله را در برآوردن نیازهای زیستی آن می شناسیم چه زندگی و شخصیت یک محله نمودی است از نحوه زندگی ساکنین آن .

باید توجه داشت که هرگونه برنامه ای در جهت بهسازی و سالم سازی بافت های شهری می باید با شناخت کامل خصوصیات وضع موجود منطقه و با توجه به نیازهای کنونی و آتی باشد، ضمن آنکه با دیدگاهی واقعی طرح و اجرا گردد آنچنانکه رابطه منطقی

مقصود، فرم و نتیجه در یک مسیر مطلوب و واقعی برقرار گردد.

● چهره کنونی محله‌های قدیمی در شهرهای ایران:

لغزش یا جابجا شدن مرکزیت شهر نسبت به هسته اولیه آن در روند توسعه شهرهای ایران و تاثیر پدیده‌های تولید صنعتی بر روی شهرهای بازرگانی، ضمن رویا روئی با ساخت قدیمی شهر که بعزت خصوصیات فنی قابلیت جوابگوئی به نیازهای جدید رادار نیست، پدیده‌های دیگری را نیز بدنبال دارد، آنچنانکه بخش جدید شهر با جاذب‌ها و نقاط عطف اجتماعی و تجاری جدید باعث تهی شدن محله‌ها از پدیده‌هاییست که باعث ادامه زندگی می‌شوند، و این خلاء با گذشت زمان موجب متروکه شدن و انهدام آن میگردد، و بخش قدیمی شهرهای توسعه یافته بتدریج دارای شرایط کالبدی و کار بردی نامانوس با ساخت اولیه خود میشوند و چون از سوی شهرداریها و سازمان‌های مربوطه نیز بنحوشایسته مورد حمایت قرار نمیگیرند "عدم تامین تاسیسات و تجهیزات شهری" آماده خواهند بود تا بعنوان شهرسازی تعویضی درباره شان تصمیم‌گیری شود.

لذا در راه نیل به احیای همه جانبه حیات محله و تداوم ارزشهای نهفته در آن می‌باید به دو نوع عامل تعیین کننده و پدیده‌های مربوط بان توجه داشته باشد.

از یک سو عواملی که میتوانند موجب حفاظت و بقای ارزشهای فرهنگی (۱) بشوند و از سوی دیگر عواملی که در شرایط موجود هر شهر موجب انهدام بافت‌های سنتی میشوند که در این مقوله سه زمینه زیر مورد بررسی است.

- ۱- فضاهای ساخته شده با کلیه ویژگیهای مثبت و منفی
- ۲- مردم ساکن محلات با همه الفت‌ها و پیوندهای فرهنگی اجتماعی ضمن توجه به ناآشنائی‌هایی که با ایده و نحوه مشارکت در تنظیم محیط زیستشان دارا هستند.

۳- مقررات و مجموعه امکاناتی که سازنده یا باز دارنده

در راه سرمایه‌گذاری از طرف بخش خصوصی و عمومی روی عرصه و اعیان محله در جریانند البته باید توجه داشت که احیای یک محیط تنها با جبران کاربردهای شهری یعنی عوامل سرویس‌دهنده شهری میسر نیست، بلکه باید کیفیت رابطه این عوامل را با یکدیگر آنچنان بالا برد که رابطه ذهنی بین آنها و انسان و جامعه حفظ شود. یکی از اصولی که در برقراری این رابطه نقشی اساسی دارد تاثیرات محیط بر انسان یعنی تصویری است که از محیط در ذهن انسان بوجود می‌آید (از راه احساس و یا تفکر) شتاب تحولات تکنولوژی با تغییر مداوم نحوه زندگی

شهر را بصورت خود رو به ترتیبی که تا قبل از شروع تحولات صنعتی جریان داشت غیرممکن می‌سازد و بنوعی هدایت آگاهانه نیازمند میکند. درگیری با این مهم بخاطر ابعاد گسترده‌اش نیازمند شناخت پدیده‌ها و نیروی فکری متخصص است. ضمن آنکه تفکر در راه برنامه ریزی هر قدر آگاهانه باشد، هنگامیکه در قالب‌های از پیش ساخته شده و تخصصی متفاوت انجام شود بلحاظ عدم توجه و یا بهتر بگوئیم عدم توانائی در شناخت تاثیر متقابل پدیده‌ها خلائی را بوجود می‌آورد که مقیاس انسانی را از دست میدهد. مسائلی از این دست که شاید بتوانند تحت عنوان ارزشهای کیفی شهر با طراحی محیط مطرح شوند از یکسو بخاطر ارتباط مستقیم با انسان و از سوی دیگر بدلیل هم بستگی با موقعیتهای شهری وابسته به معماری و شهر سازیست.

لذا با توجه به خصیصه انسان در ارزیابی و ارزش گذاری بمدد ادراک ذهنی میتوان چنین نتیجه گرفت: شهری که از طریق فقط ارزشهای ویژه و ارائه عناصر شهری قابل درک، انسان را در برقراری رابطه با محیط یاری دهد مطبوع و انسانی می‌نماید. فرنگیس رحیمی